



خیلی برایم هیجان انگیز بود. با اینکه من سال‌ها در استخر شنا کرده بودم اما دریا برایم تعریف دیگری داشت. به محیط آشنا نبودم و احساس ترس می‌کردم اما وقتی داخل آب رفتم، فهمیدم اینجا یک دنیای دیگر است و خدا را می‌توان دید

هیچ وقت گلایه‌ای نکرده و در همه عرصه‌ها حامی من هستم. ۳ فرزند دارم که هر سه آنها غواصی می‌کنند اما همسر من تاکنون تمایلی برای این کار نشان نداده است. برعکس من، او روحیه‌ای آرامش طلب دارد و هیچ وقت نخواسته همراه من و فرزندانم غواصی کند. او غواصی با خانواده‌اش را لذت بخشی می‌داند و می‌گوید: وقتی با فرزندانم برای غواصی می‌روم لذتی همراه با ترس همراه من است. از یک سو خوشحالم که در کنار من هستند و از سوی دیگر حس مادرانهام بر من غلبه می‌کند و نگران هستم که اتفاقی برای آنها بیفتد. برای همین ترجیح می‌دهم آنها را با گروه‌های دیگری بفرستم تا هم آنها و هم من بتوانیم لذت کامل را از دنیای زیر آب ببریم.

■ جزیره‌ای برای همه فصول غواصی

غواصی را در عمق کم شروع کرده و حالا بعد از گذشت سال‌ها در بیشتر آب‌های جزایر خلیج فارس غواصی کرده است. خودش می‌گوید: دنیای زیر آب برایم زیباست اما از میان تمام جزایری که غواصی کرده‌ام خارک و قشم برایم چیز دیگری است. تلفیق تأسیسات صنعتی با دنیای زیر آب برایم جالب است و اگر قرار باشد جایی را برای غواصی انتخاب کنم اولین گزینه من خارک است.

آرزو دارد تمام جزایر خلیج فارس را غواصی کند و می‌گوید: تاکنون در چابهار غواصی نکرده‌ام و خیلی دوست دارم در آنجا نیز غواصی کنم چون آنجا به اقیانوس راه دارد و فکرمی‌کنم تجربه جدید و خاصی باشد. البته برنامه‌ای دارم که از آب‌های چابهار به سمت بوشهر غواصی کنم و دوست دارم روزی بتوانم تمام جزایر خلیج فارس را غواصی کنم.

■ دنیای عجیب زیر آب

وی معتقد است دریا هم مثل فضا دنیای عجیبی دارد که اگر یک فضانورد لذت آن را درک می‌کرد، کلی انرژی و پول خرج رفتن به فضانمی‌کرد.

هنگامی که روی آب ایستاده‌اید و به آن می‌نگرید، چیزی از زیبایی‌های درون آب رانمی‌بینید و شاید ترسی در دلتان ایجاد شود که ناشی از عمق آب باشد. اما هنگامی که وارد آب می‌شوید گویی پا به دنیایی گذاشته‌اید که آنقدر زیبا و دوست داشتنی است که تمامی ترستان از بین رفته و چنان با آن یکرنگ می‌شوید که دقایق را گم می‌کنید. وقتی به سطح آب باز می‌گردید تازه متوجه می‌شوید که دنیای زیر آب یعنی چه؟

تنها چیزی که در اعماق آب می‌شنوید، صدای نفس‌هایتان است. وقتی در کنار ماهی‌های رنگارنگ که بی‌خیال در کنار و جلوی

چشم‌تان حرکت می‌کنند، یا وقتی از لابه‌لای گیاهان و مرجان‌های زیبا شناسا می‌کنید، تنها صدا، صدای نفس‌های شماست. آنچه را می‌گویم، فقط و فقط باید شخصاً تجربه کنید.

از نظر من امروزه دید مردم نسبت به غواصی تغییر کرده است. در گذشته مردان حتی قبول نمی‌کردند زن روی کشتی باشد، چه برسد که بخواند همپای آنان زیر آب غواصی کند اما الان من تعداد زیادی کارآموز غواصی دارم و هر روز هم تعداد افراد علاقه‌مندی که برای آموزش مراجعه بیشتری می‌شود که همه آنها مورد قبول همکاران مردم هستند و در بسیاری از مواقع بسیار هم آنان را کمک می‌کنند.

■ سختی کار، در آمد مناسب و هزینه‌های بالا

این کار هم مثل تمام کارهای دیگر سختی خاص خودش را دارد مخصوصاً اگر زن باشید. من مجبورم علاوه بر لباس‌های معمول غواصی ۲ بادگیر اضافه روی لباس‌هایم بپوشم، شما حساب کنید در شرایط عادی لباس‌های غواصی گرما تولید می‌کنند و پوشیدن لباس اضافی چقدر کار را سخت می‌کند و چه مقدار انرژی از من می‌گیرد. با این شرایط وقتی بعد از غواصی به خانه برمی‌گردم دیگر توانی برایم نمانده اما به خاطر عشقی که به این کار دارم تمام این سختی‌ها را تحمل می‌کنم.

البته مهم‌ترین سختی من این است که حمایت نمی‌شوم. حق مداخله در کارهای هیأت غواصی استان را ندارم، آن هم فقط به دلیل اینکه زن هستم در حالی که اطمینان دارم اگر به من فرصت بدهند ثابت می‌کنم می‌توانم غواصی را در استان رونق دهم.

طرحی آماده کرده‌ام و به فدراسیون ارائه و در صورت موافقت می‌خواهم برای اولین بار مسابقات غواصی در آب‌های آزاد را در کشور برگزار کنم. متأسفانه در کشور ما مسابقات غواصی در استخر برگزار می‌شود که از نظر من درست نیست چون شرایط دریا با استخر قابل مقایسه نیست. زنگویی در آمد این شغل را مناسب می‌داند اما می‌گوید: هزینه‌هایی مانند اجاره قایق پر کردن کپسول‌های هوا، اجاره محل کار، دستمزد مدرس و... که باید بپردازم بسیار زیاد است. اما من در حال حاضر به مسأله مالی فکر نمی‌کنم و تمام دغدغهام این است که بتوانم بوشهر را به یکی از سایت‌های اصلی غواصی در کشور تبدیل کنم.

■ خاطرات تلخ و شیرین

لبخند را بهترین هدیه زندگی می‌داند و ادامه می‌دهد: وقتی فردی را برای غواصی به دنیای زیر آب می‌برم و لبخند را بر لبانش می‌بینم بهترین لحظه زندگی من است و خستگی‌ام به طور کامل رفع می‌شود.

در نزدیک‌های کشتی معروف رافائل که تبدیل به یکی از زیستگاه‌های ماهیان شده است پیرمرد ماهیگیری است که ۲۰ سال تمام آنجا از راه ماهیگیری خرج زندگی را تأمین می‌کند. یک بار از من خواست تا ایشان را به غواصی ببرم.

قبول کردم و بعد از پوشیدن لباس‌ها وارد دریا شدیم. کاملاً می‌توانستم ترس را در چهره‌اش ببینم. کمی که پایین می‌رفتم اشاره می‌کرد بر گردیم. این کار چند بار تکرار شد و وقتی توانستم این اطمینان را به او بدهم که اتفاقی نمی‌افتد به زیر آب رفتم. وقتی کشتی رافائل را دیدم نزدیک شد، بوسه‌ای بر کشتی زد و دست‌هایش را رو به آسمان بلند کرد و بعد هم اشاره کرد به سطح آب برویم. از او سؤال کردم این همه اصرار داشتید غواصی کنید که فقط چند دقیقه زیر آب باشید، حرفی زد که هیچ گاه فراموش نمی‌کنم. سرش را رو به آسمان بلند کرد و گفت: من ۲۰ سال است که آرزو دارم کشتی را لمس کنم. فقط آمده بودم از رافائل برای اینکه روزی فرزندانم را می‌دهد تشکر کنم و برگردم، اگر این کشتی اینجا نبود نمی‌توانستم هر روز مقدار زیادی ماهی صید کنم، خدا را شکر که رافائل را داریم.

بدترین خاطره‌اش نیز مربوط به دریاست. انگار تمام زندگی‌اش به نوعی با دریا گره خورده است.

می‌گوید روزی برای تفریح به ساحل رفته بودم و طبق عادت همیشگی‌ام پرچشمم به دریا بود که متوجه شدم آقایی در حال غرق شدن است. سریع خودم را به آن سمت رساندم. البته قبل از رسیدن من وی را از آب بیرون آورده بودند.

وقتی بالای سرش رسیدم بیهوش بود و هر کس کاری را که بلد بود انجام می‌داد. به سختی همه را امتقاع کردم کنار پروند و عملیات احیا را شروع کردم. خوشبختانه بعد از چند دقیقه واکنش نشان دادند اما از آنجا که خانواده‌اش آگاهی لازم را نداشتند تصور کردند رفلکس معده کرده که در کار ما برای فرد غرق شده خطرناک است و با عصبانیت مرا کنار زده و خواستند که وی را به بیمارستان ببرند و اصرار من هم کارساز نشد.

مرد بیچاره در نیمه‌های راه فوت کرد در صورتی که اگر خانواده‌اش می‌گذاشتند کارم را انجام دهم این اتفاق نمی‌افتاد. این حادثه بدترین خاطره من از دریاست.

■ کوسه‌هایی خطر هستند

این زن گویا از هیچ چیز نمی‌ترسد حتی از خطر کردن در اعماق؛ می‌گوید: در غواصی همیشه به جاهایی می‌روم که هیچ کس جرأت رفتن به آنجا را ندارد. هر چقدر هیجان بیشتر باشد لذت غواصی هم برایم بیشتر می‌شود. تا حالا کوسه‌ای ندیده‌ام اما باور کنید بیشتر از آنچه ما از آنها ترس داریم آنها از ما می‌ترسند. این ما هستیم که به حریم آنها وارد شده و ناامنی را برای آنها ایجاد کرده‌ایم. البته کوسه‌های اقیانوس خطرناک هستند.

ماهی‌هایی در منطقه داریم به اسم پاراکودا که به مراتب می‌توانند از کوسه خطرناکتر باشند و در صورت احساس ناامنی به صورت دسته جمعی حمله می‌کنند. بارها و بارها هنگام غواصی در اطراف ما بوده‌اند اما از آنجایی که ما با آرامش برخوردیم، احساس ناامنی نکرده و رفته‌اند.

■ غواصی مجبورم کرده خود را سالم نگه دارم

زنگویی غواصی را بهترین ورزش می‌داند و می‌گوید: با توجه به اینکه برای غواصی به قدرت بدنی زیادی نیاز است مجبور هستم که بدنم را سالم نگه دارم.

چندین ساعت در روز شنای کنم و در کنار آن بدن سازی، پیاده روی و دو و فعالیت‌های هر روز من است.

ورزش دوم من کوهنوردی است و تاکنون به قله‌های دماوند، دنا و... صعود کرده‌ام. کوهنوردی هم مثل غواصی هیجان و خطر زیادی دارد و حس لذت بخشی را برای من ایجاد می‌کند که کاری را انجام می‌دهم که شاید در توان دیگران نباشد.

زنگویی و کالت خوانده اما ترجیح داده غواص باشد تا خطر را از نزدیک تجربه کند. در این خصوص می‌گوید: من حقوق خوانده‌ام حتماً اگر غواصی نمی‌کردم به کار و کالت ادامه می‌دادم.

وکیل بودن درآمد مناسبی دارد ولی از نظر من این شغل درد دارد و آنقدر درگیر مشکلات و دردهای دیگران می‌شویم که گاهی اوقات برایمان خسته‌کننده است. اما در غواصی علاوه بر این که همان درآمد مناسب را دارید می‌توانید ورزش کنید، تفریح کنید، هیجان را تجربه کنید و هر روز تان با روز دیگر فرق داشته باشد.

اگر اهل تجربه‌های جدید هستید غواصی را تجربه کنید این را آنقدر با اطمینان می‌گوید که تصمیم می‌گیرید راهی دنیای زیر آب شوید.

■ حرف پایانی

اصلاً زن را ضعیف نمی‌دانم و تصور من این است در بسیاری از کارها زنان از مردان قوی‌تر هستند اما نمی‌توان منکر این قضیه شد بعضی شغل‌ها خصلت‌های مردانه زیادی دارند. فرزندان و همسر صبوری دارم که همه این دور بودن‌ها و رفتارها را تحمل می‌کنند.

از تمام زنان ایرانی می‌خواهم زن را ضعیف ندانند و به توانایی‌های خود ایمان بیاورند. فقط کافی است کاری را که دوست داریم انجام دهیم و از هیچ چیز ترس نداشته باشیم، آن وقت است که به موفقیت می‌رسیم.



■ تنها چیزی که در

■ اعماق آب می‌شنوید،

■ صدای نفس‌هایتان

■ است. وقتی در کنار

■ ماهی‌های رنگارنگ

■ که بی‌خیال در کنار

■ و جلوی چشمان‌تان

■ حرکت می‌کنند،

■ یا وقتی از لابه‌لای

■ گیاهان و مرجان‌های

■ زیبا شناسا می‌کنید، تنها

■ صدا، صدای نفس‌های

■ شماست. آنچه را

■ می‌گویم، فقط و فقط

■ باید شخصاً تجربه کنید



- پنجشنبه
- ۱ اسفندماه ۱۳۹۲
- ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵
- ۲۰ فوریه ۲۰۱۴